

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Recognition of the Houses in Tehran Based on Contemporary Fictions Written in the
Period 1951-1978
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بازخوانی خانه‌های تهران از ادبیات داستانی معاصر در بازه زمانی
۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷*

سارا حسینی^۱، فریبا البرزی^{۲*}، امیرحسین امینی^۳

۱. پژوهشگر دکتری، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
۲. استادیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
۳. استادیار، گروه معماری، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۵

چکیده

بیان مسئله: پژوهش‌های بسیاری در حیطه فضای خانه جهت شناخت کیفیت این مکان مهم صورت گرفته‌اند. خانه ایرانی به لحاظ داشتن کیفیت بالا، پاسخ‌گوی اکثر نیازهای افراد است، زیرا در خانه ایرانی، علاوه بر کالبد، به جنبه‌های معنایی نیز توجه می‌شود که متأسفانه امروزه کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. بدین منظور در طرح و ساخت یک خانه، باید به نیازهای مادی و معنوی افراد اهمیت داده شود. **ضرورت پژوهش:** زمینه‌های تأثیرگذار بر خانه‌های گذشته به لحاظ معنا و کالبد، به‌منظور به‌کارگیری و ارتقای کیفیت خانه‌های امروزی بررسی شوند. همچنین می‌توان معماری خانه را با خوانشی دیگر نیز بررسی کرد که در این میان بستر داستان‌ها سرشار از وقایع و حوادث زندگی روزمره افراد است. داستان‌های توصیفی شهر تهران از دهه ۳۰ به بعد دوره پهلوی دوم انتخاب شده‌اند که اوج فعالیت نویسندگان است.

هدف پژوهش: بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار معنا و کالبد در فضاهای مختلف خانه‌های تهران در دهه ۳۰ تا ۵۰ که به آرامش و احساسات فردی اهمیت داده‌اند. **روش پژوهش:** این تحقیق با رویکرد کیفی انجام شده است که با رهیافت تحلیل محتوای متن و فهم و اکتشاف، پلان‌های کلی از خانه‌ها با توجه به مؤلفه‌های استخراج‌شده، شبیه‌سازی شده‌اند. **نتیجه‌گیری:** روند تغییرات تدریجی معنایی و کالبدی در خانه‌های دوره مذکور شامل حذف تدریجی اتاق‌های گوشه حیاط، حذف هشتی و تبدیل شدن به دالان و راهروی ورودی و در نهایت به یک سطح جداکننده، تبدیل حوض به استخر، ایجاد حیاط خلوت در ورودی، تراس در طبقات بالای خانه‌های مدرن، وجود مؤلفه‌هایی چون شفافیت، تنوع رفتاری، خلوت به دلیل تنوع فضایی، احترام به طبیعت، وجود انواع فضاهای بسته، نیمه‌باز و باز در اکثر خانه‌هاست. **واژگان کلیدی:** خانه، معماری، داستان، دوره پهلوی دوم.

مقدمه

پیشینیان در چه مکان‌هایی زیسته‌اند، یک مسئله مهم و ضروری به نظر می‌رسد، زیرا امروزه یاد و خاطرات آن مکان‌ها با احساس خوشی و حسرت بر جا مانده‌اند. به دلیل اهمیت مکان خانه در زندگی اجتماعی، پژوهش‌های

انسان در خانه به‌عنوان یک سرپناه برای خود، به دنبال آرامش و راحتی است. زندگی‌های پرهیاهوی شهری امروز بشر را بیشتر به آرامش سوق می‌دهد. شناخت این‌که

امینی^۳ در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین در حال انجام است.
**نویسنده مسئول: faalborzi@yahoo.com

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری سارا حسینی تحت عنوان «خوانش مؤلفه‌های معماری مسکونی ایران در دوره پهلوی دوم با بازخوانی ادبیات داستانی» است که به راهنمایی «فریبا البرزی» و مشاوره «امیرحسین

مؤلف به مثابه تولیدکننده اثر، مخاطبان او به عنوان اعضای جامعه و خود اثر به عنوان یکی از نمودهای اجتماعی، از دگرگونی اجتماعی متأثرند (احمدزاده، ۱۳۹۴، ۱۵۲). در زمینه ارتباط بین ادبیات و جامعه می‌توان به گفته فیشر^۱ اشاره کرد: ادبیات به مثابه هنر «به درون انسان‌ها و جامعه توجه می‌کند و تلاش می‌کند که از طریق نفوذ به درون افراد اعم از خواننده و مخاطب او را متحول کند» تا با تغییر در ذهنیت افراد، به دگرگونی در عرصه اجتماع توفیق یابد (فیشر، ۱۳۵۴، ۱۶). ادبیات نیز متأثر از تغییراتی که در اجتماع و فرهنگ در حال تکوین است، روی به تغییر می‌نهد و با رویکرد مضمونی-شکلی تازه، نقشی متفاوت با ادبیات گذشته، بر عهده می‌گیرد. شکل‌های جدید ادبی برای بیان موضوع‌های تازه جایگزین شکل‌هایی می‌شوند که کارکرد زیباشناختی خود را از دست داده‌اند. ادبیات و رمان به دلیل حقیقت‌مانندی و توجه به دگرگونی‌ها و ترسیم حقایق نگرش نویسنده را در بردارند و رمان بیش از هر قالب ادبی توان توصیف تحولات اجتماعی و سیاسی را دارد به همین سبب بسیاری از منتقدان، ادبیات داستانی و رمان را بازآفرینی واقعیت دانسته‌اند (میرصادقی، ۱۳۷۶، ۴۰۵-۴۱۱). در سده اخیر با شکل‌گیری و گسترش ادبیات داستانی، فرهنگ مردم و ادبیات عامه به عنوان یکی از مضامین باظرفیت و قابل توجه در بسیاری از رمان‌ها و داستان‌های کوتاه به کار گرفته شده و نویسندگان مطرح معاصر از داستان برای معرفی فرهنگ مردم بهره برده‌اند. می‌توان نخستین دستاوردهای ادبیات داستانی معاصر ایران را رمان‌هایی بر اساس مسائل انتقادی، افشاگری و اجتماعی دانست. دوره پهلوی دوم - به دلیل تغییر و تحولات چشمگیری که در جامعه، فرهنگ و ادبیات رخ می‌دهد - از مهم‌ترین دوره‌های تاریخ ایران به‌شمار می‌آید. شرایط تاریخی - فرهنگی خاص این دوره شرایط را برای تجلی اجتماعی رمان ایرانی فراهم می‌آورد (میرعابدینی، ۱۳۹۲، ۱۵-۱۷). در دوره پهلوی دوم از دهه ۳۰ به بعد، عمده نویسندگان داستان کوتاه به رئالیسم روی آوردند. رئالیسم بستر مناسبی برای بازگویی واقعیات جامعه و زندگی است. بنابراین شکل‌گیری سبک رئالیسم ادبی در دوره پهلوی دوم که متأثر از شرایط جامعه بود، زمینه را برای پژوهش در این دوره مهیا می‌کند تا با بررسی ادبیات داستانی دوره مذکور به جست‌وجوی مفاهیم مورد نظر در جامعه آن روز پرداخته شود.

• خانه

- ویژگی‌های معنایی

خانه چه از بُعد معنا و چه از بُعد کالبد دارای اهمیت است که باید به هر دو توجه شود. رلف، کالبد، فعالیت و معنا را از مفاهیم تعریف‌شده مکان می‌داند که معنا نسبت به بقیه

بسیاری در این زمینه انجام شده‌اند که هر یک از دیدگاهی متفاوت به بررسی این موضوع مهم پرداخته‌اند. شناسایی شیوه و ترجیحات رایج زندگی در جامعه و تأثیرات آن در طراحی امری مهم است. آغاز دوره معاصر ایران، آغاز تغییرات وسیع در همه زمینه‌ها است (آصفی و ایمانی، ۱۳۹۳، ۶۴). بنابراین آشنایی بیشتر با مفاهیم شکل‌گرفته در خانه، طراحان و سازندگان جامعه را به ساخت خانه‌های باکیفیت هدایت می‌کند و گامی مثبت در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای فردی در خانه‌های امروزی خواهد بود. در این میان شناخت انواع فضاهای خانه و روابط فضایی آن‌ها و نیز محدوده درگیری احساسات فردی در این فضاها حائز اهمیت است که پژوهش حاضر در جست‌وجوی این عوامل است تا با شناخت هر چه بیشتر مفاهیم معنایی و کالبدی، فضای درگیری احساسات فردی را در کالبد خانه‌ها باز یابد و اهمیت فضایی آن‌ها را بیان کند. با توجه به تنوع فضایی موجود در خانه‌های گذشته به‌ویژه دوره پهلوی دوم، معرفی این فضاها در اولویت قرار می‌گیرد. یکی از راه‌های پی‌بردن به فضای خانه‌های گذشته و خصوصیات زندگی مردم و نیز میزان رضایت و آرامش آنان در مکان زندگی‌شان، مرور اتفاقات و رویدادهای توصیفی هر دوره است که در این میان داستان‌های واقع‌گرای نویسندگان دوره پهلوی دوم، اعم از داستان کوتاه یا بلند و نیز رمان، می‌توانند زمینه مناسبی جهت پژوهش حاضر باشند. ادبیات داستانی در کنار توصیف یک رویداد، آداب و رسوم، نحوه زندگی و احساسات افراد هر دوره را نیز بیان می‌کند که با مرور آن‌ها می‌توان به خصوصیات خانه‌ها و احساسات فردی شناخت بیشتری پیدا کرد. هدف پژوهش نیز رسیدن به معیارهایی برای بازیابی کیفیت و توجه به احساسات فردی در خانه‌های امروزی است. بنابراین در نوشتار حاضر سعی بر انتخاب نمونه‌هایی است که طیف وسیعی از انواع عناصر و مفاهیم موجود در خانه‌های دوره انتخابی در شهر تهران را در برگیرند. دلیل انتخاب شهر تهران، هم به عنوان پایتخت و هم به عنوان مرکز بروز تغییرات در مسکن، مورد توجه بوده است.

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های متفاوتی در حیطه موضوعات مربوط به خانه صورت گرفته‌اند، اما می‌توان از حوزه‌های دیگری نیز این موضوع را بررسی کرد. نخست آن که مفاهیم مرتبط با خانه جداگانه بررسی و تحلیل شوند، سپس در گام بعدی این مفاهیم را از دیدگاه هنرهای دیگر از جمله ادبیات داستانی جست‌وجو کرد که این خود جنبه نوآوری پژوهش نیز است. در ادامه مطالعات انجام‌شده در زمینه متغیرهای پژوهش توسط پژوهشگران مختلف در جدول ۱، به اختصار بیان شده‌اند.

مبانی نظری

• ادبیات و جامعه

از منظر جامعه‌شناختی ادبیات، رابطه‌ای چند سویه بین متن، جامعه مخاطبان و فرهنگ عمومی وجود دارد، زیرا

جدول ۱. برخی مطالعات صورت گرفته در زمینه پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

منبع	شرح	پژوهشگر	حوزه
(Relph, 1976)	در جست و جوی چگونگی و چرایی معنادار شدن مکان‌ها برای مردم بوده است.	ادوارد رلف	معنا
راپاپورت، (۱۳۹۲)	معنا را بخشی از فعالیت می‌داند که از آن جهت عملکرد پنهان محیط نام می‌برد.	آموس راپاپورت	
لینچ، ۱۳۷۶	معنا را خاصیتی از محیط می‌داند که می‌تواند ارتباط دهنده فرد با دیگر جوانب زندگی باشد.	کوبین لینچ	
کاستلز، ۱۳۸۰	تجربه و خاطره برای مردم را در گرو معنا می‌داند.	مانوئل کاستلز	
Norberg-Shulz, 1980	مکان معنایی بیش از جایگاه دارد.	کریستین نوربرگ شولتز	
Newton & Putnam, 1998	ارائه مفاهیم خلوت، امنیت، خانواده، صمیمیت، آسایش و کنترل با تعابیر مختلف در معنای خانه	چارلز نیوتن و تیم پوتنام	کالبد
امینی و سلطانزاده، ۱۳۹۶	با توجه به پدیدارشناسی تنها آن چیزی وجود دارد که از تجربه و معانی توسط انسان‌ها برمی‌خیزد.	امیرحسین امینی و حسین سلطانزاده	
Hayward, 1975	از نظر او معانی مربوط به خانه شامل: ساختار کالبدی، قلمرو و مکان مشخص در جهان و ... است	جفری هیوارد	
Stedman, 2003	مکان به‌عنوان ترکیبی از فعالیت‌های انسانی است که در بستر کالبد و فضای آن شکل می‌گیرد.	ریچارد استدمن	
Riger & Lavrakas, 1981	فرد محیط را به همراه عناصر کالبدی آن در شکل‌گیری معنای تعلق، به خاطر می‌سپارد.	استفانی رایجر و پل لاوارکاس	
Moore, 2000	با وجود تأکید بر رابطه مستقیم میان فرد و خانه‌اش، خانه به‌عنوان مجموعه‌ای از معانی و فرآیندهای روانشناختی در راستای ارتقای زمینه کالبدی محسوب می‌شود.	جین مور	ادبیات و معماری
Proshansky, Fabian & Kaminoff, 1983	تأکید اساسی بر نقش عوامل کالبدی به‌عنوان بخشی از عناصر اجتماعی در محیط	هارولد پروشانسکی، ابی فیبین و رابرت کمینوف	
فلامکی، ۱۳۵۵	معماری را به معنای خلق شالوده کالبدی-فضای، دانشی تجربی دانسته که برای جوابگویی به نیاز انسان‌ها است.	منصور فلامکی	
گلدمن، ۱۳۷۱	اشاره به رابطه ادبیات در جامعه و بازتاب آن	لوسین گلدمن	
Kimber, 2010	بیان حقیقت در داستان و اشاره به وجود ارتباط مستقیم بین داستان و معماری	لی کیمبر	
حبیبی، ۱۳۹۳	اشاره به همسوبودن دگرگونی‌های ساختاری حوزه ادبیات معاصر و شهر	سیدمحسن حبیبی	ادبیات و معماری
ذکایی و خالصی مقدم، ۱۳۹۲	در این کتاب به بررسی چگونگی بازنمایی شهر تهران در رمان فارسی پرداخته شده است.	محمدسعید ذکایی و نرگس خالصی مقدم	
فروتن، فروریور، و صادقی شهپر، ۱۳۹۹	بررسی ویژگی‌های معماری خانه‌های قدیم تهران براساس داستان‌های اقلیمی و تبیین کاربرد نظریه منطقه‌گرایی انتقادی در بازشناسی معماری خانه‌های قدیم تهران	گلرخ فریور و منوچهر فروتن، مریم چرخچیان، رضا صادقی شهپر	
ارجمندی و یگانه، ۱۳۹۶	بازخوانی هویت شهر تهران با کمک ادبیات داستانی	سمیرا ارجمندی و منصور یگانه	

گاستون باشلار^۲ در معرفی خانه به مفهوم درونی پیونددهنده خیال، رویاها و خاطره‌ها توجه می‌کند و خانه را بهترین مکان برای شکل‌گیری آن می‌داند. مکان وجهی از فضا، اشغال شده به وسیله شخص یا چیزی و دارای بار معنایی و ارزشی است (مدنی‌پور،

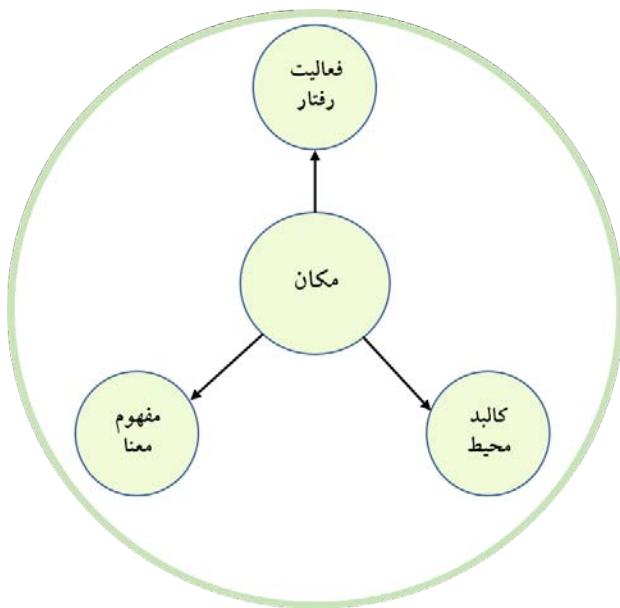
از اهمیت بیشتری برخوردار است (Relph, 1976). هدف از معنا در معماری، بیانی فراتر از تصویر است، برداشتی از فضای معماری که تداعی‌کننده حالات و روحیات خاص، برانگیزاننده حواس و تجربه فضایی به همراه ادراک معنایی است (البرزی، حبیب و اعتصام، ۱۳۹۸، ۹۹).

معنامندی خانه، به امنیت و حفاظت‌کنندگی آن نیز تأکید می‌کند (Norberg-Shulz, 1980). مفاهیمی چون معنا، خیال، رؤیا، خاطره، خلوت و ... در خانه اهمیت می‌یابند که با وجود تعدد اتاق‌ها و تنوع فضایی و مهیا بودن فضای کافی برای اعضای خانواده، امکان تنها شدن و خلوت‌گزیدن و دوری از سایرین، فراهم می‌شود. حس آرامش در خانه به‌عنوان یکی از نیازهای مهم فردی باید مورد اهمیت قرار گیرد که با پیدایش انواع احساسات در افراد و پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی، ایجاد می‌شود. بنابراین فضای خانه ایرانی با مهیا کردن آرامش در افراد، زمینه را برای حضور مفهوم خلوت نیز پررنگ‌تر می‌کند.

- کالبد خانه

کالبد خانه و عناصر کالبدی تعریف‌کننده حریم فضایی خانه هستند و مرز بین درون و بیرون را تعریف می‌کنند. کالبد خانه، یکی از ابتدایی‌ترین و اصلی‌ترین گونه‌های معماری و ضرورتی است تا امکان خانه‌شدن را فراهم کند (آقالطیفی و حجت، ۱۳۹۷، ۴۲). «سازگاری و هماهنگی میان عوامل انسانی و الگوهای کالبدی می‌تواند منجر به طراحی محیط‌های مسکونی شود که وقوع رفتارهای درخور آداب زندگی جمعی و سنت سکونت ساکنین را تشویق نماید» (عینی‌فر، ۱۳۷۹، ۱۰۹). در کل موجودیت کالبدی بنا را می‌توان مجموعه‌ای از فضاهای سرپوشیده، فضاهای باز و فضاهای نیمه‌سرپوشیده-نیمه‌باز دانست. در خانه سنتی می‌توان از داخل حریم و فضای بسته، ارتباط با طبیعت و ... را از طریق وجود چشم‌انداز از اتاق به حیاط‌های داخلی برقرار نمود (پیرنیا، ۱۳۷۴). عنصر حیاط نقش مهمی را در فضای خانه به عهده دارد، چون تنوع ادراکی در انسان و تحریک احساسات او نیازمند برقراری ارتباط با محیط پیرامون است تا مکان زندگی با پاسخ‌گویی به نیازهای معنوی، معنامند شود. همچنین عنصر ایوان به‌عنوان یک ارتباط‌دهنده بین فضای بسته و فضای باز خانه، نقش مؤثری در برقراری ارتباط با طبیعت و محیط پیرامون دارد. برخی دیگر از عوامل نظیر ایجاد سلسله‌مراتب دسترسی از ورودی تا فضای داخلی در طراحی خانه‌ها، علاوه بر تقویت حس امنیت در فضای ورودی، احساس آرامش را نیز به همراه داشته است. نکته مهم دیگر این‌که خانه باید در عین مستحکم‌بودن و استواری بین فرد و دنیای خارج او، ایجادکننده رابطه و تعامل بین فرد و طبیعت زنده و بیرون نیز باشد، که در کنار همه این موارد هم نیازهای مادی و هم معنوی با هم تأمین شوند. وجود حیاط به‌عنوان طبیعت زنده سبب لمس طبیعت، رایحه گیاهان، وجود حوض با حرکت و صدای آب و ایجاد انواع صداها در فضای باز طبیعی، باعث درگیری احساسات فردی و تجربه‌های مختلف زیستن در انواع سطوح قابل درک می‌شود. همچنین در فضای باز کالبد خانه، به‌کارگیری انواع سطوح و مصالح مختلف، درگیری حس لامسه را بیشتر می‌کند. مصالح پوششی به‌ویژه در کف و دیوار با تماس

توان مکان را به عنوان مرکز معنا یا حوزه توجه براساس تجربیات انسان، روابط اجتماعی، هیجان‌ات و تفکرات توصیف می‌کند (Tuan, 2001). معنا در مکان، به‌عنوان اساسی‌ترین ساختار مکان تلقی می‌شود، چراکه معناست که مکان را از گستره عظیم فضا تفکیک کرده و به آن شخصیت می‌بخشد (البرزی و پروینیان، ۱۳۹۸، ۶). معنا، فرم و عملکرد مؤلفه‌های سازنده هر پدیده‌ای است، معنا ارزش، مفهوم و پیام یک پدیده است (پاکزاد، ۱۳۸۵، ۷۱-۷۴). لنینچ از عوامل هویت‌ساز یک مکان، به احساس امنیت، خاطره‌انگیزی، حس تعلق و وابستگی اشاره می‌کند (انصاری، ۱۳۹۳، ۸۵). مکان فضای هویت‌یافته است و هویت‌یافتن یک فضا با معانی نمادین و تبدیل‌شدن آن به مکان، احساس تعلق مردم را به آن فضا و مکان افزایش می‌دهد (پورجعفر، صادقی و یوسفی، ۱۳۸۷، ۶-۱۰). فرهنگ شخصیت فردی را با دنیای سامان‌یافته، بر پایه تأثیرات متقابل با معنا، درهم می‌آمیزد (نوربرگ-شولتز، ۱۳۹۳، ۴۵). معنا در راستای طراحی محیط کالبدی، شکل می‌گیرد (Alexander, 1979, 59; Rapoport, 1982, 29). هویت‌یافتن یک فضا توسط معنا، سبب تبدیل آن به مکان و افزایش احساس وابستگی به آن مکان می‌شود. عامل ایجادکننده هویت مکان را می‌بایست هم به‌واسطه خصوصیات ویژه کالبدی و غنای حسی و هم به واسطه ابعاد اجتماعی، تاریخی و فرهنگی مکان در ارتباط با هویت جمعی مورد مطالعه قرار داد (سخاوت‌دوست و البرزی، ۱۳۹۹، ۱۰۱). وجود معنا و مفاهیمی چون باورها و ارزش‌ها و اعتقادات دینی و مراسم روحانی و معنوی در بناها و خانه‌های مردمی باعث ارتباط روحانی قوی بین انسان‌ها می‌شود که این تصور ذهنی حس تعلق به فضا و محیط را ایجاد می‌کند. در خانه‌های باکیفیت و متنوع گذشته این بُعد معنوی پررنگ و قوی بوده است. به این ترتیب مکان نه تنها در یک مقطع تاریخی، بلکه در طول تاریخ مورد رسیدگی و احترام قرار می‌گیرد و فضایی برای تقویت روحیه انسان‌ها و ارتقای روحانی آنها خواهد شد (پورجعفر، ۱۳۸۲، ۵۱-۵۴). با توجه به شفافیت فضایی و ارتباط با محیط اطرافش به‌راحتی امکان‌پذیر بود و در نتیجه افراد تمایل بیشتری به گذران اوقات در فضای خانه خود داشتند. مفاهیمی چون خاطره و رویا نیز دارای اهمیت هستند (Pallasmaa, 2005) و فضا زمانی که به نظامی از مکان‌های با معنا بدل گردد، زنده می‌شود (نوربرگ-شولتز، ۱۳۹۳، ۵۲). شولتز با تعریف عرصه درونی و بیرونی، بر مرکزیت بنا توجه ویژه‌ای دارد. از نظر او مرکز هر بنا دارای بار معنایی است. وی ضمن



تصویر ۱. مدل مکان کانتر. مأخذ: Canter, 1983.

کتاب‌هایی انتخاب شده‌اند که علاوه بر توصیفات در بازه زمانی ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷، به حداکثر مؤلفه‌های مربوط به پژوهش، یعنی مؤلفه‌های معنایی از دیدگاه پدیدارشناسی^۶ اشاره داشته‌اند که رابطه مستقیم با درگیری حواس و رفتارهای فردی و عناصر کالبدی فضای خانه‌های شهر تهران دارند. از میان آثار نویسندگان واقع‌گرای سه دهه نیز، کتاب‌های بزرگ علوی^۷ (۱۳۳۱)، جمال میرصادقی^۸ (۱۳۴۱ و ۱۳۵۴)، غلامحسین ساعدی^۹ (۱۳۴۶)، اسماعیل فصیح^{۱۰} (۱۳۵۰) و سیمین دانشور^{۱۱} (۱۳۵۹) برگزیده شده‌اند. دلایل انتخاب این نویسندگان و آثارشان به سبب آن است که سبک داستان‌های توصیف‌شده، همه واقع‌گرا هستند و به توصیف زندگی و مکان زندگی مردم در سال‌های مذکور پرداخته‌اند و از طرفی مکان خانه‌های توصیفی، همه در شهر تهران است. از میان داستان‌های هر نویسنده نیز داستانی مدنظر قرار گرفته است که بیشترین مؤلفه‌های مطرح‌شده در پژوهش حاضر را داراست. نکته مهم دیگر در رابطه با دوره انتخابی نویسندگان است که به دلیل بازه زمانی سه دهه ۳۰ و ۴۰ و ۵۰، از هر دهه یک یا دو نویسنده با آثاری منتخب از بین دیگر آثارشان برگزیده شده‌اند. در این میان برخی از آثار نویسندگانی نظیر سیمین دانشور که منتشر شده در سال ۱۳۵۹ است، به ظاهر در بازه زمانی مربوطه قرار نمی‌گیرد. اما چندین داستان از این کتاب از جمله داستان انتخاب‌شده در این پژوهش، پیش از انقلاب ۱۳۵۷ و در سال ۱۳۵۲ به چاپ رسیده است که این داستان در بازه زمانی مربوطه پژوهش قرار می‌گیرد. همچنین داستان‌ها با توجه به سال انتشارشان طبقه‌بندی و بیان شده‌اند که در این میان برخی از آن‌ها برخلاف سال روایتشان، خانه‌های پیش‌تر و قدیمی‌تر را توصیف می‌کنند. در مرحله اول از پژوهش با استناد به منابع بررسی شده و مبانی

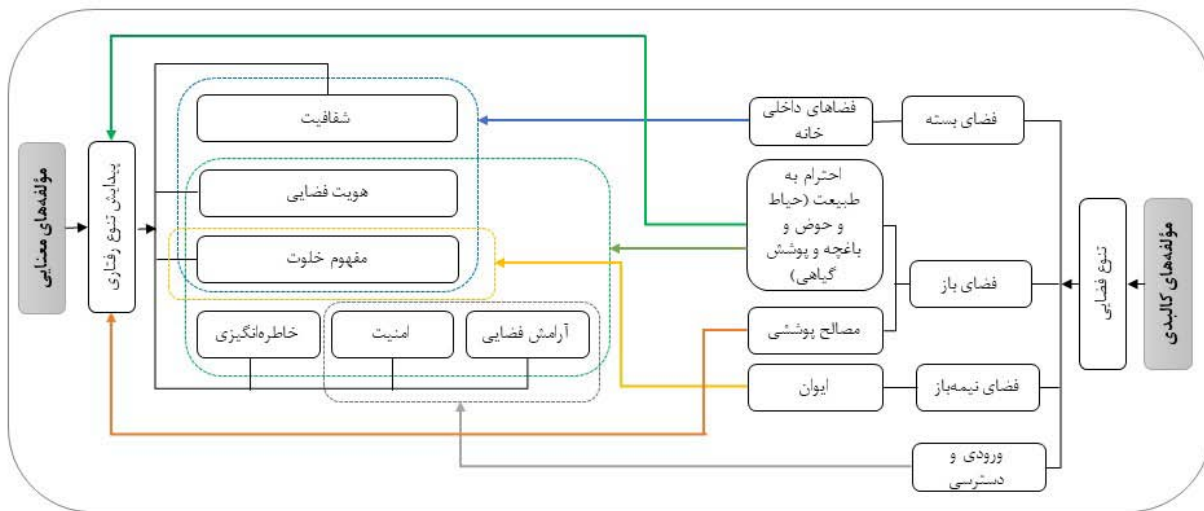
انواع حواس انسان از دید و بصری گرفته تا لامسه، سبب پیدایش یک ارتباط بین انسان و محیط پیرامونش می‌شوند که این ارتباط با درگیری ذهن انسان برای او جریانی معنادار است و این همان رابطه مستقیم کالبد و فراکالبد است که کالبد خانه را برای انسان، معنمند می‌کند. پس از مرور مفاهیم مطرح‌شده، می‌توان چنین گفت که احساسات فردی شکل‌گرفته در فضای خانه و ایجاد مؤلفه‌های مختلف معنایی، تعریف‌کننده فضاهای مختلف کالبدی هستند که در نتیجه وجود این فضاها، احساسات مختلفی تجربه می‌شوند. در تصویر ۱، بر اساس تعریفی که کانتر ارائه کرده، مکان به عنوان واحد تجربه محیط مطرح شده است. مکان نتیجه و محصول روابط بین فعالیت‌ها، وجه فیزیکی و مفهوم فعالیت در محل‌های فیزیکی بوده و به علاوه، دارای این قابلیت است که محیط را به فرآیندهای اجتماعی مرتبط کند (Canter, 1983). به این صورت که هر یک از زیرمؤلفه‌های کالبدی خانه با وجود هر یک از عناصر خود باعث پیدایش معانی ارزشمندی می‌شوند که برای رفع نیازهای فردی در مکان خانه مهم و ضروری هستند. پس در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که فضای کالبدی با اعمال نیازهای فراکالبدی، سبب پیدایش خانه‌ای معنمند می‌شود.

در ادامه مدل پژوهش مطابق تصویر ۲، برگرفته از مبانی نظری، معرفی می‌شود که بررسی معنا و کالبد در نمونه‌های موردی بر مبنای آن انجام می‌شود. طبق مبانی نظری ارائه‌شده، مدل پژوهش چنین بیان می‌شود که هر یک از زیرمؤلفه‌های فراکالبدی شامل شفافیت، هویت، خلوت، امنیت، آرامش و خاطره‌انگیزی در ارتباط با زیرمؤلفه‌های تنوع فضایی از مؤلفه کالبدی که شامل فضای بسته، فضای باز و فضای نیمه‌باز، ورودی و دسترسی هستند، دسته‌بندی شده‌اند. در این مدل ارتباط نزدیک مؤلفه‌های کالبدی و فراکالبدی هر یک با وصل فلش‌هایی رنگی مجزا به یکدیگر، مشخص شده‌اند. پس معنای به‌وجودآمده در خانه در سایه وجود کالبدی است که پدیدآورنده آن معنا است.

با توجه به مدل (تصویر ۲)، هر یک از این زیرمؤلفه‌های استخراجی در نمونه‌های موردی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند.

روش تحقیق

در این پژوهش طبق مدل ساندرز و با توجه به رویکرد کیفی، با رهیافت تحلیل محتوای متن، به شیوه شبیه‌سازی به فهم و اکتشاف و تحلیل کتاب‌های مورد بررسی پرداخته شده است. تصویر ۳ فرآیندهای انجام پژوهش که بر اساس لایه‌های مختلف الگوی شش‌لایه از مدل پیاز پژوهش (Saunders, Lewis & Thornhill, 2019) است را نشان می‌دهد. از آنجا که پیشرفت چشمگیر آثار ادبی دوره پهلوی دوم بیشتر مربوط به دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ است، در این میان با توجه به مطالعات اسنادی،



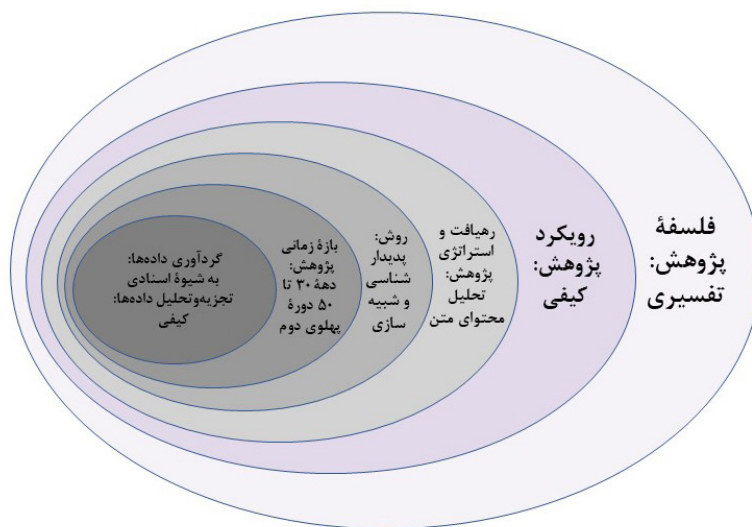
تصویر ۲. معرفی مدل پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

در این ترسیمات، هر یک از فضاهای بیان شده در کتاب‌ها دسته‌بندی شده‌اند. در قسمت سامان‌دهی فضایی جداول، با رنگ قرمز مسیر ورودی و ارتباطی فضاها در پلان‌ها مشخص شده‌اند. همچنین محدوده ایجاد تنوع رفتاری به لحاظ معنا، در قسمت‌های مؤلفه‌های معنایی در پلان‌ها با رنگ‌های جداگانه لکه‌گذاری شده‌اند. در روایت برخی خانه‌های توصیفی داستان‌ها، عدم ذکر برخی مؤلفه‌ها دلیل بر عدم وجود آن‌ها نیست. شاید در آن قسمت از فضای خانه اتفاق خاصی رخ نداده باشد و به این دلیل نویسنده به آن قسمت اشاره‌ای نکرده است. مثلاً عدم وجود ایوان در برخی خانه‌ها، سبب حذف آن نسبت به خانه مشابه خود نیست. بنابراین با جمع‌آوری توصیفات ارائه شده می‌توان به یک نتیجه کلی و مشابه رسید و تا حدودی به اکثریت مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری معنای خانه پی برد. در **جدول ۲ تا ۶** علاوه بر ویژگی‌های کلی خانه‌ها با توجه به جملات بیان شده، مؤلفه‌های مهمی که در شکل‌گیری کالبد و معانی خانه‌ها پررنگ بوده‌اند، به صورت واضح مشخص شده‌اند و زیر آن‌ها خط کشیده شده است. پس از تحلیل نمونه‌ها در **جدول ۲ تا ۶** که به ترسیم دیاگرام‌های کالبدی و معنایی انجامید، می‌توان در پاسخ به سؤال پژوهش که «چه رابطه‌ای میان مؤلفه‌های معماری مسکونی دوره پهلوی دوم با توجه به ادبیات داستانی این دوره وجود دارد؟»، چنین اذعان داشت طبق تحلیل‌های صورت گرفته در دیاگرام‌های ترسیمی، رابطه معناداری میان مؤلفه‌های کالبدی و معنایی در معماری مسکونی دوره پهلوی دوم با توجه به مرور ادبیات داستانی این دوره از دیدگاه پدیدارشناسانه وجود دارد. با توجه به مبانی برگرفته از ادبیات موضوع و تحلیل محتوای متون ادبیات داستانی دوره مورد مطالعه، زیرمؤلفه‌های شفافیت، هویت فضایی و خلوت به دلیل اینکه در فضای بسته معنا یافته و شکل گرفته‌اند، در این قسمت دسته‌بندی شده‌اند. زیرمؤلفه‌های

نظری، مؤلفه‌های استخراجی خانه هم به لحاظ معنا و هم به لحاظ کالبد، از درون کتاب‌ها در مطالعات اولیه یافت شدند که به دلیل گستردگی مناطق توصیفی، شهر تهران به‌عنوان نمونه شهر انتخابی و بستر توصیفات انتخاب شد. سپس در مرحله دوم، مؤلفه‌های برداشت‌شده با روش شبیه‌سازی در قالب پلان‌های شماتیک و کلی ترسیم شده‌اند. در مرحله سوم پژوهش این مفاهیم و عناصر انتخابی در جدولی جداگانه به صورت لکه‌گذاری با رنگ‌های مجزا در پلان‌ها نمایش داده شده‌اند. مرحله نهایی شامل یک جمع‌بندی و تصویرسازی کلی از این خانه‌ها هم در پلان و هم در احجام سه‌بعدی است که از این جمع‌بندی کلی، محدوده درگیری رفتاری و احساسات فردی با توجه به مؤلفه‌های معنایی شکل گرفته در کالبد فضایی، مشخص شده است و با ترسیم در جدول، سطوح درگیری مؤلفه‌های مختلف در خانه‌های توصیفی نویسندگان به‌صورت مقایسه‌ای نمایش داده شده‌اند.

تحلیل یافته‌ها

با توجه به این که پژوهش حاضر پرسش‌محور است، بنابراین در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که؛ چه رابطه‌ای میان مؤلفه‌های معماری مسکونی دوره پهلوی دوم با توجه به ادبیات داستانی این دوره وجود دارد؟ بنابراین در روند پژوهش با انتخاب شش اثر از پنج نویسنده برگزیده، طبق مدل پژوهش برگرفته از مبانی نظری، مطابق **جدول ۲ تا ۶**، به بررسی و تحلیل خانه‌های توصیف‌شده توسط نویسندگان پرداخته شده است. در این جداول مطالب استخراجی از کتاب‌های هر نویسنده با طبقه‌بندی داستان‌ها به صورت مجزا، در قالب ویژگی‌ها و مؤلفه‌های معنا و کالبد بیان شده‌اند. سپس تصویرسازی شماتیک پلان‌های خانه‌های توصیفی از دیدگاه هر نویسنده انجام شده است که



تصویر ۳. معرفی مدل پیاو پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

نتیجه‌گیری

بررسی مؤلفه‌های مختلف خانه بسیار حائز اهمیت است، چرا که خانه محیطی برای مستقر شدن دائمی افراد و پاسخ به نیازهای روزمره آنان در زندگی است. برای پی‌بردن به مؤلفه‌های موجود در خانه‌های گذشته ایرانی، بررسی زندگی مردم آن دوره ضروری است. جهت بررسی زندگی مردم در دوره پهلوی دوم، ادبیات داستانی بستر مناسبی است تا با مطالعه و به روش تحلیل محتوای متن کتاب‌ها، خصوصیات مردم آن دوره و ویژگی خانه‌هایشان را جست‌وجو کرد. زیرا داستان‌ها و رمان‌ها بازگوی وقایع زندگی مردم در هر دوره از تاریخ هستند. در این میان کتاب‌هایی از میان دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ از دوره پهلوی دوم انتخاب شدند که به لحاظ محتوا دربرگیرنده حداکثر مؤلفه‌های معنا و توصیف کالبد هستند. در ادامه پس از استخراج مؤلفه‌های مربوطه در راستای مبانی نظری پژوهش، کتاب‌های یافت‌شده مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. این مؤلفه‌ها هر یک به نسبت‌های مختلفی در خانه‌های توصیف‌شده، دیده شده‌اند و مؤلفه‌های معنایی و عناصر کالبدی مطرح‌شده در ادبیات داستانی خانه‌های دوره مذکور تصویر شده‌اند. تصویر ۴، محدوده ارتباطی بین فضاهای مختلف تشکیل‌دهنده خانه و پیدایش رفتارهای مختلف انسانی را در مکان خانه نشان می‌دهد. از میان زیرمؤلفه‌های مطرح شده، زیرمؤلفه شفافیت به دلیل تنوع فضایی و پیدایش رفتارهای مختلف فردی به دلیل احترام به طبیعت، در تمامی خانه‌های توصیف‌شده دیده می‌شود. شکل‌گیری زیرمؤلفه خلوت نیز در انواع فضاهای بسته، نیمه‌باز و باز اکثریت خانه‌ها مطرح شده است. در ادامه می‌توان چنین تحلیل کرد که در دهه ۳۰ خانه‌ها به شکل حیاطدار و شامل حوض و پوشش گیاهی بوده‌اند که این نشان‌دهنده اهمیت هر چه بیشتر طبیعت است. همچنین در خانه‌های قدیمی‌تر و اوایل دهه ۳۰، فضاهای بسته خانه اعم از اتاق‌ها و سایر قسمت‌های داخلی، علاوه بر فضای اصلی

آرامش و خلوت هم به سبب شکل‌گیری این مفاهیم در فضای نیمه‌باز، در این بخش قرار گرفته و نیز زیرمؤلفه‌های امنیت، خاطره‌انگیزی، هویت، خلوت و آرامش و تنوع رفتاری که در قسمت فضای باز معنا یافته‌اند، در این قسمت قرار گرفته‌اند که علاوه بر آن، زیرمؤلفه‌های امنیت و آرامش در قسمت ورودی و دسترسی معنا یافته‌اند. با توجه به مؤلفه‌های شکل‌گرفته در خانه‌های توصیفی، در جدول ۷ هر یک از مؤلفه‌های فضای بسته، فضای نیمه‌باز و فضای باز با در نظر گرفتن نوع فضای مربوطه، مشخص می‌شود. پس طبق دیاگرام‌های ترسیم‌شده در جداول ۲ تا ۶، می‌توان هر یک از مؤلفه‌های کالبدی و معنایی موجود و ترسیم‌شده را به صورت مجزا در جدول ۷ جمع‌آوری کرد تا بدین ترتیب ویژگی‌های کلی هر یک از خانه‌های توصیف‌شده و میزان برخورداری آن‌ها از مؤلفه‌ها در خانه‌ها به طور مشخص بیان شوند. بنابراین زیرمؤلفه‌های یافت‌شده در داستان‌های مورد بررسی، هر یک با رنگ جداگانه‌ای در جدول ۷، مشخص شده‌اند. بدین صورت که وجود هر مؤلفه در پلان خانه مورد نظر با رنگ مشخص در مقابل مؤلفه لکه‌گذاری شده و عدم وجود مؤلفه در پلان به صورت خالی و بدون رنگ نشان داده شده است. در جدول ۷ هر یک از زیرمؤلفه‌ها به نسبت‌های مختلفی در خانه‌ها مشاهده شده‌اند که با توجه به لکه‌گذاری پلان‌ها و میزان وجود هر چه بیشتر رنگ‌های زرد و صورتی و نارنجی در پلان‌ها، این نتیجه حاصل می‌شود که زیرمؤلفه‌های شفافیت فضایی و برانگیختن احساسات و نیز شکل‌گیری مفهوم خلوت در هر سه فضای بسته، نیمه‌باز و باز به نسبت بیشتری دیده می‌شوند. بنابراین اهمیت هر چه بیشتر این مؤلفه‌ها در کالبد خانه‌ها مشخص می‌شود. پس از مشخص شدن مؤلفه‌های معنایی در کالبد پلان، به بازترسیم پلان و حجم خانه‌های توصیفی طبق جدول ۸، پرداخته شده است که در ستون آخر از جدول، نتیجه‌ای کلی از دلیل پیدایش مؤلفه‌ها و چگونگی ادراک آن‌ها بیان شده است.

جدول ۲. بررسی مؤلفه‌های کالبدی و معنایی در کتاب بزرگ علوی. مأخذ: نگارندگان.

نام کتاب	مصادیق	توضیحات	سامان‌دهی فضای خانه
چشم‌پایش (مؤلفه‌های کالبدی)	هنوز در نزد آقا رجب مرا به داخل حیاط برد. آن طرف حیاط، رو به آفتاب، راه‌پله‌ای به ایوانی که پیچ امین‌الدوله طارمی‌های آن را پوشانده بود منتهی می‌شد. ... دوتا بیچه کوچک در حیاط توی آفتاب بازی می‌کردند. یکی سوار سه‌چرخه بود و دیگری آن را می‌راند. در یکی از اتاق‌های طرف دست راست، زنی که تنبان سیاه پایش بود ظرف‌های چینی را خشک می‌کرد. در همین هنگام، در اتاق بالای ایوان باز شد و او در حالی که تخته شاستی و قلم‌مو را در یک دست نگاه داشته بود تا دم پله آمد. با دست راست زیر بازوی چپ مرا گرفت و مرا به اتاقش برد (علوی، ۱۳۸۶، ۱۹۱). خانه‌ای دیگر:	در فضای هر دو خانه، علاوه بر فضاهای داخلی، اتاق‌هایی وجود داشته‌اند که از طریق فضای باز حیاط با یکدیگر در ارتباط هستند. همچنین فضای باز حیاط عامل ارتباطی بین ورودی به فضاهای داخلی خانه است.	خانه شماره ۱: 
کنار چراغ پایه‌داری در ایوان می‌نشستم و کتاب می‌خواندم (علوی، ۱۳۸۶، ۱۵۱). در اتاق مهمان‌خانه ما نشسته است (همان، ۸۶). وارد هشتی خانه ما که می‌شد طرف دست راست اتاق پدرم بود. ... حوضمان را آب انداخته بودند. بابا داشت باغچه‌ها را آب می‌داد. پیرمرد سی سال بود که در خانه ما کار می‌کرد. پدرم روی صندلی راحت در اتاقش نشسته بود و آرام سیگار می‌کشید ... مادرم در اتاق مجاور سر جانماز نشسته بود (همان، ۱۶۵-۱۶۱). بفرمایید برویم قهوه را در سالن میل بفرمایید (همان، ۲۵۵).	استاد مدتی در اتاق تنها بود. نیم ساعت بعد که نوکرش وارد اتاق شد، دید روی چارپایه کنار پنجره نشسته، سرش را در هر دو دستش گرفته، آرنج‌هایش را روی درگاه گذاشته و دارد خیره به آسمان می‌نگرد (همان، ۲۳). در خانه نسبتاً بزرگی پشت مسجد سپهسالار منزل داشت. خانه بدی به نظر نمی‌آمد. درخت‌های بلند چنار و انار و شمشاد در تابستان دور حوض سایه مطبوعی می‌آنداختند و اول بهار عطر گل سرخ که استاد در قدح‌های بزرگ جا می‌داد تازگی و طراوت هوا را حتی در آلتیه خفه و تاریک او هم منعکس می‌کرد (همان، ۲۶). آقا رجب می‌گوید که گاهی در شب‌های تابستان، موقعی که آسمان نیلگون و جواهرنشان بود، روی بام می‌رفت و آخر شب مدت‌ها پس از آنکه آقا رجب و زنش در خواب غرق شده بودند، آهسته پایین می‌آمد و تخت‌خواب سفری را از کارگاه نقاشی برمی‌داشت و روی بام می‌رفت و آنجا دراز می‌کشید. در این گونه مواقع تا سحر بیدار می‌ماند ... (همان، ۲۷). خانه‌ای دیگر:	۱- پیدایش خلوت در فضای بسته و باز خانه ۲- وجود حیاط و پوشش مختلف گیاهان و درختان به‌عنوان محل لمس طبیعت ۳- وجود طبیعت زنده در فضای خانه سبب افزایش دل‌انگیزی و هیجان ۴- کیفیت دسترسی با تقویت حس دعوت‌کنندگی و ایجاد آرامش و برقراری امنیت	خانه شماره ۲: 
مؤلفه‌های معنایی)	کنار چراغ پایه‌داری در ایوان می‌نشستم و کتاب می‌خواندم (همان، ۱۵۱). آفتاب پاییز بعدازظهر تمام فضا را غرق نور کرده بود. از پشت پنجره انارهای سرخ و گردگرفته می‌درخشیدند (همان، ۱۶۱). در را که باز کردم، دیدم اتاق‌ها تاریک است و فقط چراغ هشتی روشن است. بیچاره مادرم دیگر عادت کرده بود (همان، ۲۱۵-۲۱۴).	محدوده ایجاد تنوع رفتاری	خانه شماره ۱: 
		خانه شماره ۲: 	

جدول ۳. بررسی مؤلفه‌های کالبدی و معنایی در کتاب‌های جمال میرصادقی. مأخذ: نگارندگان.

نام کتاب	نام داستان	مصادیق	توضیحات	سامان دهی فضای خانه
برف‌ها، سگ‌ها، کلاغ‌ها	مسافرهای شب	شب عروسی داداشم، پهلوی توران خانم کنار پنجره نشسته بودم و به مردهایی که در و دیوار حیاط را زینت می‌دادند، نگاه می‌کردم (میرصادقی، ۱۳۵۴، ۷). وقتی من حوض را دور می‌زدم و به اتاق آن‌ها که در گوشه حیاط افتاده بود، می‌رفتم ... (همان، ۷-۶).	در فضای خانه، علاوه بر فضاهای داخلی، اتاق‌های مجزای دیگری هم در گوشه حیاط وجود داشته است که از طریق فضای باز حیاط با یکدیگر در ارتباط هستند. همچنین فضای باز حیاط عامل ارتباطی بین ورودی به فضاهای داخلی خانه است.	
بابا	مؤلفه‌های کالبدی	عصمت خانم از اتاق بیرون رفته بود و صدای کفشش از بیرون شنیده شد که با سر و صدا به طرف در کوچک رفت و صدای بسته شدن در کوچک مثل چکشی در مغز حالت کوبیده شد (همان، ۸۸). حوض یا تخته‌هایی که رویش انداخته و ... میان حیاط به چشم می‌خورد (همان، ۳۰).		
جواد در پی او می‌دوید، عفت جیغ می‌زد و می‌خندید و دور حوض و باغچه می‌گشت (همان، ۹۷). حاجی منو تو حیاط گذاشت و تندتند از پله‌ها بالا رفت. نعره‌اش از توی اتاق بلند شد (همان، ۱۶۲).	مسافرهای شب	بعد خلیل آمد، خسته و کوفته. نشست روی پله‌ها و هر چه عزیزم اصرار کرد نیامد توی اتاق (همان، ۷۲). منیژه خواهر بزرگ او هم، لب حوض نشسته بود و دندان‌هایش را مسواک می‌کرد (همان، ۱۵۰). سودابه توی حیاط خودشان دور باغچه‌ها می‌گشت و با آب‌پاش گلی و کوچک خود، گل‌ها و سبزه‌ها را آب می‌داد (همان، ۱۵۰). ترسید و از پشت پنجره برگشت و توی حیاط آمد. ... به طرف اتاق‌های آن طرف حیاط رفت (همان، ۱۶۲).		
امروز صبح دوباره برف شروع به باریدن کرد، ... پشت‌بام‌ها و شبروانی‌ها و سقف آن اتاق نیشی را می‌پوشاند... (همان، ۶). وقتی من حوض را دور می‌زدم و به اتاق آن‌ها که در گوشه حیاط افتاده بود، می‌رفتم آقا محمود مرا روی دست‌هایش بلند می‌کرد و به هوا می‌انداخت (همان، ۶-۷).	برف‌ها، سگ‌ها، کلاغ‌ها	شب عروسی داداشم، پهلوی توران خانم کنار پنجره نشسته بودم و به مردهایی که در و دیوار حیاط را زینت می‌دادند، نگاه می‌کردم (همان، ۷).	۱- ارتباط فضای داخل و بیرون جهت درگیری احساسات ۲- ایجاد خاطره‌انگیزی در فضای باز حیاط ۳- ایجاد خلوت با سکوت در فضای خصوصی ۴- لمس مصالح باعث ایجاد تنوع رفتاری ۵- ایجاد آرامش با تنوع ادراکی	
چند روزی بود که عفت در اتاق گوشه حیاطی رفته بود و درها را به روی خود بسته بود. توی اتاق دراز می‌کشید و سرش را در متکا فرو می‌برد و نگاه خسته‌اش را روی دیوار می‌انداخت (همان، ۹۰). با پای برهنه که خنکی آجرهای کف حیاط را می‌مکید، فیهقه‌زنان توی حیاط آمد و پا به دو گذاشت. جواد در پی او می‌دوید. عفت جیغ می‌زد و می‌خندید و دور حوض و باغچه می‌گشت (همان، ۹۶-۹۷).	مسافرهای شب	سودابه توی حیاط خودشان دور باغچه‌ها می‌گشت و با آب‌پاش گلی و کوچک خود، گل‌ها و سبزه‌ها را آب می‌داد. منیژه خواهر بزرگ او هم، لب حوض نشسته بود و دندان‌هایش را مسواک می‌کرد. همان‌طور که بی‌حرکت و خوشحال به ترده تکیه داده بود، همه این‌ها را می‌دید (همان، ۱۵۰). با خودش حرف می‌زد و راه می‌رفت، یا درخت‌ها و آجرهای کف حیاط و ماهی‌های توی حوض فهر و آشتی می‌کرد، هیچ احساس حسرتگی و دل‌تنگی نمی‌کرد (همان، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵). منیژه، خواهر بزرگ سودابه را می‌دید که روی ایوان نشسته لباس‌هایش را اتو می‌کند. لباس‌های رنگ و وارنگ، درهم و برهم دور و برش ریخته بود (همان، ۱۵۷).		
از اتاق بیرون آمد و سر حوض نشست و وضو گرفت و با تن لرزان به اتاق برگشت (همان، ۱۴). با صدای پدرش، از خواب بیدار شد. پدرش در اتاق کناری، نمازش را خوانده بود و ... (همان، ۲۱). به حیاط برگشت. صدای زنگدار دختر عمویش را از اتاق آن طرف حیاط شنید (همان، ۵۰). کمال از جلو اتاق گذشت. از پله‌ها بالا رفت و توی اتاقش که آمد، از خودش تعجب کرد (میرصادقی، ۱۳۴۹، ۶۶). از پله‌های خیس و خراب تلوتلو خوران پایین آمد و کنار چاله پاشیر سرپا نشست. شیر را باز کرد (همان، ۹۶).	درازنای شب	خانه‌های دیگر:	در فضای خانه شماره ۱، علاوه بر فضاهای داخلی، اتاق‌های مجزای دیگری هم در گوشه حیاط وجود داشته است که از طریق فضای باز حیاط با یکدیگر در ارتباط هستند.	
بچه‌ها از جلو عمارت گذشتند و توی باغ آمدند. باغ قشنگی بود (همان، ۳۵). استخر میان نورخورشید نشسته بود و آب صاف و شفافش چراغان شده بود. روی یکی از صندلی‌های آهنی کنار استخر نشست و محو تماشا شد (همان، ۳۶).	مؤلفه‌های کالبدی		در خانه شماره ۲، حیاط نقش مهمی در برانگیختن احساسات دارد.	

نام کتاب	نام داستان	مصادیق	توضیحات	سامان‌دهی فضای خانه	
درازنای شب	(مؤلفه‌های معنایی)	جلو پنجره اتاق آمد. توی حیاط خواهرهایش با دختر همسایه اکر دو کر بازی می‌کردند. سروصدایشان حیاط را برداشته بود. پیش رویش، باغ همسایه پر از گل و شکوفه بود و آفتاب مثل دستهٔ فناری روی جوانه‌های تازه و سبز درخت‌ها نشسته بود (همان، ۱۳۴۹، ۱۵). نفس بهار توی اتاق می‌آمد و عطر نسترن‌ها و پیچ‌های امین‌الدوله باغ همسایهٔ اتاق کوچک او را می‌انباشت ... بهار زندگی را در همه بیدار کرده بود (همان، ۶۷). صدای در کوچه بلند شد. بعد، از توی حیاط، صدای حاج‌عموش را شنید. احساس خوشی و سرحالیش از بین رفت. با پای لرزان به‌طرف پنجره اتاق آمد (همان، ۱۸۰). صبح نزدیک می‌شد... دستهٔ کلاغ‌ها بی‌صدا بال‌زنان از آسمان جلو پنجره می‌گذشتند (همان، ۲۲۵). وقتی به خانه رسید، دید که کلون پشت در خانه را انداخته‌اند. به ناچار با ترس ولرز در زد. ... صدای پای آشنای مادرش را که از پشت در شنید، نفس راحتی کشید. مادرش هیچ نگفت. جواب سلام او را به سردی داد. در خانه را پشت سر او دوباره کلون کرد و بدون آن که کلمه‌ای حرف بزند، برگشت و آهسته از حیاط گذشت و به اتاق رفت (همان، ۲۱۸). ایستاد و درماند که کجا برود. حالش بد بود. سروصداها در گوش او می‌پیچید و او را به سرسام می‌انداخت. از پله‌ها بالا رفت و خود را به پشت‌بام رساند. پشت‌بام خلوت‌تر بود (همان، ۲۹). به حیاط برگشت. صدای زنگدار دخترعموش را از اتاق آن طرف حیاط شنید. ناگاه حس کرد که دلش نمی‌خواهد دوباره او را ببیند. به اتاقش آمد و کنار پنجره نشست (همان، ۵۰). در اتاق را بست. توی اتاق احساس آرامش می‌کرد. اتاقش برای او پناهگاهی بود، پناهگاهی در برابر چیزهای دلپره‌آور و ناشناخته که نمی‌توانستند با بدخواهی به درون بیایند و او را مغلوب خود کنند (همان، ۶۶). سر حوض وضو گرفت و به اتاق برگشت. پدرش هنوز در اتاق کناری دعا می‌خواند. نمازش را که تمام کرد، کنار پنجره آمد. هوا تازه و خنک بود. نفسش را که فرو می‌داد، نشاطی وجود او را برمی‌داشت. پیش چشم‌هایش همه‌چیز آرام و آرامش‌بخش بود (همان، ۲۱). وقتی به خانه رسید، با احساس آدمی که مرتکب گناه شده باشد، سر حوض نشست. وضو گرفت و سعی کرد که با همان خلوص و حضور قلب همیشگی به نماز بایستد (همان، ۶۱). توی اتاق آمد. سماور می‌جوشید. مادرش، چادرش را دور کمر بسته بود و پای بساط سماور نشسته بود. پدرش بالای اتاق زانو زده، به جلو خمیده بود و کتاب مستطاب «حلیه‌المتقین» را می‌خواند (همان، ۲۲۸). وقتی در کوچه را پشت سر خود بست و توی کوچه آمد، دیگر هیچ چیز نداشت. همه‌چیز را پشت سرش، در خانه گذاشته بود و بیرون آمده بود (همان، ۲۳۵). با خشم بسیار صدای کفش‌هایش را بلند کرد و توی حیاط آمد. مثل بچه‌ها کفش‌هایش را روی کف اجری حیاط می‌کشید و دیوانه‌وار از این طرف به آن طرف حیاط می‌رفت و برمی‌گشت. حیاط در نور مهتاب افتاده بود. همه‌چیز آرام بود. سروصدای کفش‌های او در خاموشی می‌پیچید (همان، ۲۲۲).	۱- ایجاد آرامش به سبب قابل ادراک بودن فضا توسط حواس ۲- درگیری احساسات جهت شفافیت فضایی ۳- کیفیت دسترسی در ورودی و رعایت ترتیب فضا در روابط فضایی و مسبب ارتقای هر چه بیشتر کیفیت در ادراک و امنیت ۴- لمس طبیعت باعث درگیری حواس ۵- آرامش در سایهٔ امنیت و آشنایی با فضا ۶- پیدایش خلوت در فضای بسته و باز خانه ۷- وجود هویت فضایی با تحقق رویداد معنادار و ذهنیت فردی در فضای خانه ۸- وجود طبیعت زنده در فضای خانه سبب افزایش دل‌انگیزی و هیجان ۹- لمس مصالح متنوع باعث برانگیختن احساسات		
خانهٔ شماره ۱:		خانهٔ شماره ۲:			

داخل خانه، در گوشه و کنارهای حیاط نیز دیده می‌شوند. در این خانه‌ها به وجود هشتی در قسمت ورودی نیز اشاره شده که گونه‌های موردی گواه بر این مدعی است. با ورود به دههٔ ۴۰، خانه‌ها با اندک تغییراتی توصیف شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها، حذف هشتی از ورودی خانه‌ها و باقی‌ماندن فضای دالان

و راهرومانند در ورودی و حذف اتاق‌ها از گوشه حیاط است. اما حیاط، حوض و پوشش گیاهی همچنان در خانه‌ها دیده می‌شوند. در اواخر دههٔ ۴۰، تغییرات دیگری از جمله حذف فضای دالان و راهرومانند در ورودی، تبدیل شدن حوض به استخر در خانه‌های جدیدتر و پیدایش خانه‌ها با موقعیت جنوبی

جدول ۴. بررسی مؤلفه‌های کالبدی و معنایی در کتاب غلامحسین ساعدی. مأخذ: نگارندگان.

نام کتاب	نام داستان	مصادیق	توضیحات	سامان‌دهی فضای خانه
واهمه‌های بی‌نام و نشان	مؤلفه‌های کالبدی)	چراغ‌های راه‌پله از دم ظهر روشن بود و در حمام و توالت را برخلاف همیشه بسته بودند (ساعدی، ۱۳۵۵، ۱۴۵). آمنه توی چایخانه طبقه بالا بود، از پشت شیشه چارگوش چایخانه، مرد جوان را برانداز کرد (همان، ۱۴۵). مهلقا گفت: برو درو واکن و بیرشون توی اتاق پایین (همان، ۱۴۷). صدای زنگ در هم‌چنان از زیر سرپوش لعابی کنار آشپزخانه توی راهرو می‌پیچید (همان، ۱۴۷). ملیحه پا شد و از روی ایوان رفت توی اتاق (همان، ۱۶۰). مهلقا و مرد جوان از اتاق بیرون رفتند و روی پله‌های راهرو نشستند (همان، ۱۷۱). زل زدند به پایین پله‌ها و جلو در آشپزخانه که آمنه بیرون آمده و به دیوار کنار دستشویی تکیه کرده بود (همان، ۱۷۳). از توی چایخانه به راهرو و از راهرو به اتاق پذیرایی و از اتاق پذیرایی به اتاق جلو ایوان می‌بردند، (همان، ۱۸۶). رفتند توی اتاق پذیرایی. دکتر و منیژه از پنجره باز رفتند روی ایوان و داخل اتاق سرهنگ شدند (همان، ۱۸۸).	عملکرد ایوان در فضای خانه، علاوه بر اتصال فضای خارج و داخل سبب ارتباط اتاق‌ها با یکدیگر بوده و نقش انفصال فضایی هم داشته است.	
مؤلفه‌های معنایی)		منیژه که از نصفه‌های شب بیدار بود، بعد از رفتن دخترها رفت روی ایوان و نشست به تماشای ساختمان‌های ساکت شهر که تک‌تک وسط درختزارها افتاده بودند و با بالا آمدن سپیده‌دم رنگ عوض می‌کردند (همان، ۱۵۵). سایه‌های اول صبح با هم مخلوط و درهم می‌شدند و صدای پای آن‌هایی که روی جاده‌ها و خیابان‌های شنی در رفت‌وآمد بودند، یا نفتی و اشغالی که با همه سلام علیک می‌کردند، از پایین شنیده می‌شد (همان، ۱۵۶). سرهنگ رفت لب ایوان و ایستاد به تماشای ساختمان‌های ساکت شهر که آرام آرام وسط درخت‌ها و تیرگی وهم انگیز شب دفن می‌شدند (همان، ۱۶۶). و رفت توی اتاق پذیرایی و مرد جوان هم به دنبالش، هر کدام سیگاری آتشی زدند و نشستند کنار پنجره، حاشیه زردی از آفتاب افتاده بود روی درخت‌ها، ... (همان، ۱۸۰). ملیحه و مهلقا و منیژه نشسته بودند روی ایوان و چایی می‌خوردند. آفتاب بعد از ظهری گرمشان کرده بود و آن‌ها بچه‌هایی را که توی باغ، برگ‌های ریخته را جمع می‌کردند تماشای می‌کردند (همان، ۱۹۰).	۱- ایجاد تنوع رفتاری توسط ارتباط فضای داخل با بیرون وجود ۲- شفافیت فضایی به همراه امنیت ۳- قابل ادراک بودن فضا همراه با درگیر کردن حواس	محدوده ایجاد تنوع رفتاری
				

ترتیب و کیفیت ورودی و دسترسی و ایجاد فضای مکث و سپس ورود به فضای باز حیاط و بعد فضای داخل خانه و تنوع ادراکی حاصل‌شده، در خانه‌های دهه ۳۰ و ۴۰، بیشتر دیده می‌شوند. فضای باز خانه با قابل ادراک بودن فضا توسط درگیر کردن انواع حواس مانند صدای آب حوض، صدای پرندگان، رایحه گل‌ها، گیاهان و تماشای طبیعت زنده در خانه، خاطره‌انگیزی توسط انواع رخدادها و رفتارهای فردی توسط اعضای خانواده در فضای باز، لمس مصالح پوششی در فضای باز و درگیری احساسات و حس لامسه، درگیری حواس به سبب لمس آب حوض و گرفتن وضو و ایجاد یک فضای آرام و معنوی، افزایش دل‌انگیزی و هیجان به سبب ایجاد ذوق و لذت از تماشای وجود طبیعت زنده در فضای خانه است. بنابراین حیاط به‌عنوان یک فضای باز و مسیر ارتباطی از قسمت ورودی تا فضای درونی خانه، نقش مهمی را در پیدایش مؤلفه‌های معنای خانه مسکونی به عهده


قرار گرفتن ورودی بنا در جلو خانه و حیاط در سمت پشت خانه است. با ورود به دهه ۵۰ و توصیف خانه‌ها، مدرن‌شدن خانه‌ها نسبت به خانه‌های دهه‌های گذشته نمایان می‌شود. در این خانه‌های مدرن و جدید، قسمت ورودی بنا به‌صورت یک سطح جداکننده درآمده است. همچنین پیدایش تراس در طبقات بالای خانه و قرارگیری در سمت کوچک، وجود حیاط خلوت در ورودی قسمت شمالی بنا، جزء تغییرات دیگری از خانه‌های این دهه محسوب می‌شوند.

در انتها می‌توان به این نتیجه کلی رسید که وجود تنوع فضایی بیشتر اعم از فضای بسته، فضای نیمه‌باز و فضای باز در خانه‌های مسکونی گذشته وجود دارد که باعث پیدایش معنایندی در خانه‌ها شده است. به این ترتیب که وجود انواع بازشو و پنجره و فضای نیمه‌باز و قابل ادراک بودن فضا توسط حواس، سبب تنوع رفتارهای فردی شده است. امنیت و آرامش به‌وجود آمده از

جدول ۵. بررسی مؤلفه‌های کالبدی و معنایی در کتاب اسماعیل فصیح. مأخذ: نگارندگان.

نام کتاب	مصادیق	توضیحات	سامان دهی فضای خانه
شهباز و جعدان (مؤلفه‌های کالبدی)	<p>پایین توی حیاط، زیر چنارها و تبریزی‌های خشکیده و سروهای سبز، حوض پر آب است. برگ‌های ریخته سطح حوض را پوشانده (فصیح، ۱۳۹۵، ۱۱). کاج و تبریزی و چنار... و پیچک‌ها از در و دیوار میرن تواتاق‌های طبقه بالا (همان، ۲۰). اوایل بعدازظهر را هم زیر آفتاب روی تراس به غزلیات شمس با صدای گرفته و بیمار استاد گوش می‌کنم (همان، ۴۱). استاد را از روی کانپه بلند می‌کنند و روی پاهای خودش به طبقه بالا به اتاق‌های خودش می‌برند (همان، ۸۵). از در عقب ساختمان دو طبقه ساختمان دکتر جانان تو ظهیرالدوله تجریش می‌آیم توی آشپزخانه (همان، ۹۷). اوایل غروب حمام می‌کنم و بعد از اصلاح و لباس پوشیدن، می‌آیم بالا روی تراس (همان، ۱۰۵). از شیشه پنجره نگاه می‌کنم و استاد انگار حالا مهمان دارد (همان، ۱۰۵). به اتاق پذیرایی می‌آیم. پروین در اتاق نیست. ولی ظاهراً زیاد دور هم نرفته. کیف و دسته کلیدش هنوز روی میز است. از پنجره می‌بینم که در حیاط باز است. لابد برای قدم‌زدن بیرون رفته (همان، ۲۲۵). فاطمه در را باز می‌کند. آنها را راهنمایی می‌کند توی اتاق نشیمن پایین. پروین آنجاست. من از توی اتاق خواب صدای سلام و ماچ و موج و لوس بازی‌شان را می‌شنوم، می‌آیم سراغشان (همان، ۳۱۶).</p>	<p>در میان فضاهای ارتباطی، تراس و ایوان نقش مهمی داشته و عامل ارتباطی بین فضای بسته و باز بوده که سبب ایجاد شفافیت شده‌اند. همچنین حیاط سبب پیدایش تنوع رفتاری شده است.</p>	
مؤلفه‌های معنایی	<p>اما هنوزم از خونه پا بیرون نمی‌ذارم. یعنی خیلی به‌ندرت می‌ذارم... خودش و اون کتاباش. بعضی وقت‌های دیگه خودش تنها میاد اون بالا توی ایوان می‌شینم (همان، ۱۰). می‌آیم توی تراس، روی یک صندلی پارچه‌ای می‌نشینم. دلم برای تهران تنگ شده (همان، ۱۱-۱۰). روی تراس آفتاب سردی پهن است. خانه دیوار به دیوار باغ مقبره ظهیرالدوله است. با چشم‌اندازی از گل‌ها و درخت‌های باغ و سنگ‌ها و طارمی‌های قبرها. کمی شراب می‌ریزم و به آرامی می‌نوشم. دوردست میدان تجریش و بعد تهران در مه و غبار همیشگی گسترده شده (همان، ۱۱). صبح روز بعد آرام‌تر می‌گذرد. اوایل بعدازظهر را هم زیر آفتاب روی تراس به غزلیات شمس با صدای گرفته و بیمار استاد گوش می‌کنم (همان، ۴۱). این دفعه صدای واقعی زنگ در حیاط منزل جانان را می‌شنوم، که درون ساختمان را پاره کرده. فحش می‌دهم و پامی‌شوم بارانی می‌اندازم تنم، دمپایی می‌پوشم، قبل از اینکه تمام اهل خانه زابرا شوند می‌آیم طرف در حیاط (همان، ۵۹). حالا باران می‌ریزد. آجرهای کف حیاط زیر لامپ دیوار خیس و سرخ است (همان، ۵۹). می‌آیم در حیاط را باز می‌کنم. قدم می‌گذارم توی حیاط و می‌آید جلوم. هنوز توی حیاط و زیر باران ایستاده‌ایم. می‌گویم: «بیا تو» می‌آورمش توی ساختمان. هیکل گنده فاطمه را می‌بینم که از توی راهرو سراسیمه می‌لنگد می‌آید. چارقدش را می‌اندازد سرش (همان، ۶۱-۶۰). می‌لغزم توی آشپزخانه و در را می‌بندم. از در عقب یواشکی می‌آیم توی حیاط خلوت، بعد از پله‌های حیاط خلوت می‌روم بالا (همان، ۳۳۷). اوایل غروب حمام می‌کنم و بعد از اصلاح و لباس پوشیدن، می‌آیم بالا روی تراس. آسمان به نیلی به فیروزه‌ای می‌زند و قرص ماه تازه بالا آمده و خوب است و روی کوه‌های برف‌گرفته می‌درخشد. شهر با میلیون‌ها چراغ ریز و درشتش خودش را مثل یک لکاته ول کرده و سوسو می‌زند. منتظر شب هستم (همان، ۱۰۵). خودم را مشغول می‌کنم. بدجوری خسته و خالی‌ام. پنجره باز است و غروب توی حیاط خالی فرو می‌نشیند، روز می‌میرد. کلاغ‌ها بالای چنار برهنه غار غار می‌کنند (همان، ۲۱۴). پروین در اتاق خواب است. خودم باز بی‌خوابی به کلمه زده، آمده‌ام توی پذیرایی، کتاب می‌خوانم (همان، ۳۰۵). یکی از صندلی‌های پارچه‌ای گوشه تراس را برمی‌دارم. می‌آیم گوشه دیگر تراس. زیر آفتاب، دور از پنجره او، کنار دیوار می‌نشینم. دست‌ها را می‌گذارم پشت کلام، آسمان و خورشید را نگاه می‌کنم. آفتاب سرد است، و تنهایی و سکوت تراس هم چندش‌آور. باد سرد پوست دست و صورت را می‌خراشد. نوک درخت‌های سرو و چنار موازی چشمم است. شاخه‌های پیچک که به تراس می‌رسند و خودشان را شل ولو کرده‌اند، و واخورده‌اند (همان، ۳۲۰).</p>	<p>۱- پیدایش خلوت در فضای بسته خانه ۲- حیاط و حوض آب و پوشش مختلف گیاهان و درختان به عنوان محل لمس طبیعت باعث درگیری حواس ۳- وجود تنوع بافت و مصالح در سطوح مختلف کف و پوشش گیاهی در دیوار سبب ایجاد تنوع رفتاری</p>	<p>محدوده ایجاد تنوع رفتاری</p>

جدول ۶. بررسی مؤلفه‌های کالبدی و معنایی در کتاب سیمین دانشور. مأخذ: نگارندگان.

نام کتاب	نام داستان	مصادیق	توضیحات	سامان‌دهی فضای خانه
به کی سلام کنم؟ (مؤلفه‌های کالبدی)	کیدالخائنین	گل‌ها را به گل‌خانه برده بود، روی حوض کاشی آبی وسط حیاط را تخته چیده بود و برگ‌های ریخته را روی تخته‌ها تلبار کرده بود (دانشور، ۱۳۸۰، ۲۰۹). چند تا فیلگوش داشتند که در اتاق پذیرایی و اتاق نشیمن و راهرو گذاشتند و ... (همان، ۲۲۵).	فضای باز حیاط خانه، عامل ارتباطی بین ورودی به فضای داخلی است.	
(مؤلفه‌های معنایی)	کیدالخائنین	جناب سرهنگ صبح ساعت شش پا می‌شد ورزش می‌کرد، سه دور دور حیاط می‌دوید، صبحانه می‌خورد و می‌رفت (همان، ۲۱۰). منصوره خانم برای حاجی علی چای آورد. حاجی علی گفت: نماز ظهر و عصرم قضا شد. منصوره خانم گفت: اول نمازتان را می‌خواندید، تو این خانه هم قبله هست هم جانماز (همان، ۲۱۳). منصوره خانم گفت: نماز بخوان، قرآن بخوان، نمی‌دانی چه عالمی دارد، روح آدم تازه می‌شود (همان، ۲۲۳). گلدان‌های شمعدانی را از حاشیه باغچه‌ها برمی‌داشتند و در فضای باز وسط حیاط به ردیف می‌چیدند. کیوان، گلدان‌های کوچک‌تر را به دست منصوره خانم می‌داد و او برگ‌های زرد و سرمازده را می‌چید و گلدان‌ها را از خاک تازه می‌انباشت و فاطمه به دست سرهنگ می‌دادشان تا روی پله‌های گلخانه جایشان بدهد (همان، ۲۲۵). برف. برف. برف. همه جا را برف گرفته بود خدا روی هر چه را وجود داشت سفید کرده بود. درخت‌ها، شیروانی‌ها، آنتن تلویزیون، بند رخت، گلخانه، روی حوض، باغچه‌ها، آجرهای سمنتی کف حیاط همه پوششی از برف داشتند که گاه نازک بود و گاه کلفت و جم نمی‌خوردند (همان، ۲۲۷).	۱- وجود تنوع فضایی و ایجاد رفتارها و واکنش‌های مختلف ۲- آرامش به سبب قابل‌ادراک بودن فضا ۳- تحقق رویداد معنادار و ایجاد هویت ۴- ایجاد فضای آرام‌بخش در فضای باز ۵- وجود حیاط، باغچه و پوشش مختلف گیاهان به‌عنوان محل لمس طبیعت و باعث درگیری حواس	محدوده ایجاد تنوع رفتاری
				

مفهوم هویت را می‌توان در حوزه‌های واژه‌شناسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، فلسفه، فرهنگ، هنرها، معماری و... جستجو کرد. انسان در اثر ارتباط با مکان، خود را جزئی از آن می‌داند که براساس تجربه‌هایش از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت‌ها، یک تصویر ذهنی از آن مکان برای خود می‌آفریند که در نتیجه مکان برای او قابل درک و فهم و منجر به پیدایش هویت مکانی می‌شود. ۴/ مفهوم خلوت به دلیل برآورده کردن نیازهای روحی و روانی، با روانشناسی ارتباط تنگاتنگی دارد که در بعد کالبد و فیزیکی شکل می‌گیرد. از این رو این مفهوم در معماری نیز پدیدار می‌شود. در روانشناسی محیطی، خلوت تأمین‌کننده نیازهای چندی از جمله امنیت است. ۵/ ایوان بخشی از ساختمان که دارای سقف، بدون پنجره و معمولاً متصل به جلو ساختمان است. همچنین پیش‌آمدگی جلو ساختمان معمولاً در طبقات بالا که دور آن دیوار یا نرده‌ای باشد، بالکن نامیده می‌شود. از طرفی ایوان کوچکی که در جلوی ساختمان در طبقه فوقانی است نیز بالکن نامیده می‌شود (بهشتی و قیومی بیدهندی، ۱۳۸۸). ۶/ پدیدارشناسی مشاهده ناب نخستین به معنای درک یک پدیده به اتکای درون‌مایه و ذات آن پدیده است و هیچ واقعیت مستقل یا عینی خارج از انسان وجود ندارد (امینی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۳۲۴). پدیدارشناسی به لحاظ پرداختن به حس مکان و روح مکان، محیط تجربه‌شده توسط انسان را بیشتر قابل درک می‌داند. ۷/ «سید

دارد. پاسخ سؤال پژوهش این است که مؤلفه‌های معنایی با توجه به کالبد خانه قابل شناسایی هستند و می‌توان مؤلفه‌های مهم فراموش‌شده در خانه‌های معاصر امروزی را در کالبد معنامند خانه‌های گذشته دنبال کرد. در جدول ۹، مقایسه‌ای تطبیقی بین ترسیمات شبیه‌سازی‌شده توسط نگارندگان و تصاویر برگرفته از خانه‌های موجود شهر تهران در فواصل سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ صورت گرفته است که تا حدودی ویژگی‌های خانه‌های دوره مذکور و شباهت‌های نزدیک میان خانه‌های ترسیم‌شده و موجود در آن قابل مشاهده است.

پی‌نوشت

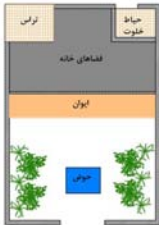


۱/ Ernst Fischer. ۲/ Gaston Bachelard. ۳/ هویت دارای مفاهیم پیچیده‌ای است،

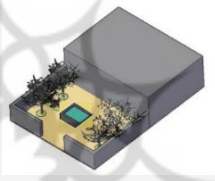
جدول ۷. بررسی مؤلفه‌های شکل گرفته در ترسیمات برگرفته از کتاب‌های بررسی شده. مأخذ: نگارندگان.

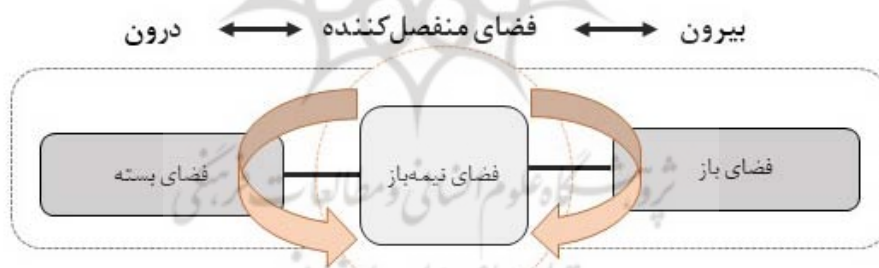
آثار نویسندگان	بزرگ علوی (۱۳۳۱)	جمال میرصادقی (۱۳۴۹ و ۱۳۴۱)	غلامحسین ساعدی (۱۳۴۶)	اسماعیل فصیح (۱۳۵۰)	سیمین دانشور (۱۳۵۲)
عوامل شکل گرفته در کالبد خانه					
فضای بسته	شفافیت	هویت فضایی	خلوت	فضای آرامش نیمه‌باز	خلوت در پشت بام و تراس
فضای باز	امنیت	خاطره‌انگیزی	هویت فضایی	تنوع رفتاری	روودی و دسترسی
جمع‌بندی مؤلفه‌های معنایی در کالبد خانه	جمع‌بندی مؤلفه‌ها	جمع‌بندی مؤلفه‌ها	جمع‌بندی مؤلفه‌ها	جمع‌بندی مؤلفه‌ها	جمع‌بندی مؤلفه‌ها
۳ مؤلفه	۷ مؤلفه	۵ مؤلفه	۱۰ مؤلفه	۷ مؤلفه	۳ مؤلفه

جدول ۸. تحلیل خانه‌های تجربه‌شده در نمونه‌ها به لحاظ تفکیک معنایی در کالبد فضا. مأخذ: نگارندگان.

نمونه‌های مورد بررسی	باز ترسیم پلان	باز ترسیم حجم	باز ترسیم حجم خانه با جزئیات	نتیجه کلی
چشم‌هاش				<p>۱- حیاط به‌عنوان فضای باز و مسیر ارتباطی از ورودی تا فضای درونی در خانه‌های توصیفی، نقش مهمی در برانگیختن احساسات مختلف فردی و پیدایش مفاهیم مختلف دارد.</p> <p>۲- وجود حوض آب و پوشش گیاهی مختلف نشان از اهمیت آن در فضای باز و تأثیرش بر احساسات فردی دارد.</p> <p>۳- ایوان به‌عنوان فضای نیمه‌باز، عنصر مهمی جهت ارتباط فضای درون خانه با حیاط است که سبب ایجاد احساسات مختلف در افراد شده است.</p> <p>۴- قرارگیری اتاق‌های متعدد در اطراف حیاط باعث تنوع در فضای بسته شده است.</p>
				
مسافرهای شب				<p>۱- حیاط به‌عنوان فضای باز و مسیر ارتباطی از ورودی تا فضای درونی در خانه‌های توصیفی، نقش مهمی در برانگیختن احساسات مختلف فردی و پیدایش مفاهیم مختلف دارد.</p> <p>۲- وجود حوض آب و پوشش گیاهی مختلف نشان از اهمیت آن در فضای باز و تأثیرش بر احساسات فردی دارد.</p> <p>۳- ایوان به‌عنوان فضای نیمه‌باز، عنصر مهمی جهت ارتباط فضای درون خانه با حیاط بوده که سبب ایجاد احساسات مختلف در افراد شده است.</p> <p>۴- قرارگیری اتاق‌های متعدد در اطراف حیاط باعث تنوع در فضای بسته شده است.</p>
درازنای شب (الف)				
درازنای شب (ب)				
واهمه‌های بی‌نام و نشان				<p>۱- حیاط به‌عنوان فضای باز و مسیر ارتباطی از ورودی تا فضای درونی در خانه‌های توصیفی، نقش مهمی در برانگیختن احساسات مختلف فردی و پیدایش مفاهیم مختلف دارد.</p> <p>۲- وجود پوشش گیاهی مختلف نشان از اهمیت آن در فضای باز و تأثیرش بر احساسات فردی دارد.</p> <p>۳- ایوان به‌عنوان فضای نیمه‌باز، عنصر مهمی جهت ارتباط فضای درون خانه با حیاط و سبب ایجاد احساسات مختلف در افراد شده است.</p>

نمونه‌های مورد بررسی	باز ترسیم پلان	باز ترسیم حجم	باز ترسیم حجم خانه با جزئیات	نتیجه کلی
شهباز و جفدان				۱- حیاط و حیاط خلوت به‌عنوان فضای باز و مسیر ارتباطی از ورودی تا فضای درونی در خانه‌های توصیفی، نقش مهمی در برانگیختن احساسات مختلف فردی و پیدایش مفاهیم مختلف دارند. ۲- وجود حوض آب و پوشش گیاهی مختلف نشان از اهمیت آن در فضای باز و تأثیرش بر احساسات فردی دارد. ۳- ایوان و تراس به‌عنوان فضای نیمه‌باز، عنصر مهمی جهت ارتباط فضای درون خانه با حیاط دارد که سبب ایجاد احساسات مختلف در افراد شده است.

به کی سلام کنم؟				۱- حیاط به‌عنوان فضای باز و مسیر ارتباطی از ورودی تا فضای درونی در خانه‌های توصیفی، نقش مهمی در برانگیختن احساسات و رفتارهای مختلف فردی و پیدایش مفاهیم مختلف دارد.
-----------------	--	--	--	---



تصویر ۴. محدوده پیدایش تنوع رفتارهای فردی به لحاظ تفکیک فضایی، مأخذ: نگارندگان.

از معروف‌ترین داستان‌های بلند وی است که در سال ۱۳۶۹ به چاپ رسید که همانند سایر آثار فصیح، جذاب است. این رمان به بررسی از بعد روانشناسی میان چند خانواده می‌پردازد. ۱۷. «سیمین دانشور» نویسنده و مترجم و همسر جلال آل‌احمد، متولد شهر شیراز (۱۳۰۰) است. او در آثار خود بیشتر به جایگاه زن ایرانی در تغییر و تحولات اجتماعی پرداخته است. «به کی سلام کنم؟» یکی از مجموعه داستان‌های اوست که در سال ۱۳۵۹ به چاپ رسید اما رویدادهای قبل از انقلاب را روایت می‌کند.

فهرست منابع

- احمدزاده، محمدمیر. (۱۳۹۴). بازتاب عینیت تاریخی در ادبیات سیاسی عصر نهضت (۱۳۵۷-۱۳۴۲). پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، ۱(۲)، ۱۴۹-۱۶۹.
- ارجمندی، سمیرا و یگانه، منصور. (۱۳۹۶). بازخوانی هویت شهر تهران بر اساس خواش تحولات معماری از ادبیات داستانی ایران. جامعه‌شناسی هنر و






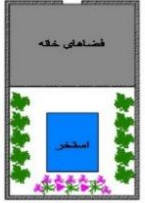





مجتبی آقابرگ علوی» نویسنده، مترجم و فعال اجتماعی، متولد شهر تهران (۱۲۸۲) است. وی یکی از نویسندگان واقع‌گرای دوره پهلوی دوم است که جایگاه ویژه‌ای در نزد نویسندگان معاصر دارد. رمان «چشم‌هایش» یکی از آثار معروف و مشهور وی است که وضعیت نابسامان حکومت آن زمان را حول محور داستان یک زن روایت می‌کند. ۸. «سید حسین میرصادقی» معروف به «جمال میرصادقی»، نویسنده و پژوهشگر در زمینه ادبیات داستانی، متولد شهر تهران (۱۳۱۲) و تأثیر پذیرفته از بزرگ علوی است. رمان «درازای شب» او یکی از رمان‌های واقع‌گرای دهه چهل است که به بازتاب برخی چالش‌های مهم جامعه می‌پردازد. «مسافرها شب» نیز یکی از مجموعه داستان‌های او در سال ۱۳۴۱ که در چاپ اول با نام «شاهزاده خانم سبزچشم» به چاپ رسیده است. ۹. «غلامحسین ساعدی» معروف به گوهر مراد، داستان‌نویس و مترجم و نمایشنامه‌نویس، متولد شهر تبریز (۱۳۱۴) بود و از فعالان سیاسی دوره معاصر پهلوی دوم به‌شمار می‌رود. وی از جلال آل‌احمد تأثیر پذیرفته بود و سبک داستان‌نویسی او را ترکیبی از رئالیسم و دیگر سبک‌ها دانسته‌اند. مجموعه داستان «واهمه‌های بی‌نام و نشان» او مربوط به سال ۱۳۴۶ و شامل شش داستان کوتاه است. ۱۰. «اسماعیل فصیح» داستان‌نویس و مترجم، متولد محله درخونگاه در شهر تهران (۱۳۱۳) است. کتاب رمان «شهباز و جفدان» یکی

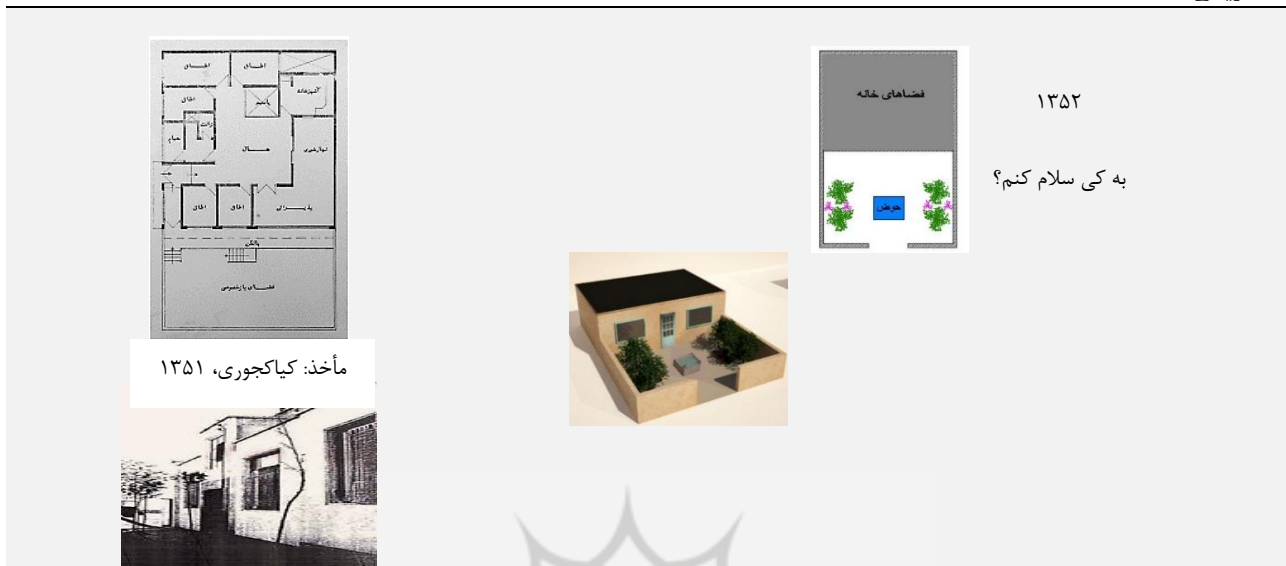
جدول ۹. مقایسه تطبیقی خانه‌های مسکونی جامعه نمونه با نمونه‌های موردی موجود. مأخذ: نگارندگان.

دوره تاریخی	دوره توصیفی و نام کتاب	تصویر شبیه‌سازی شده	دوره ساخت و نام بنا	تصویر موجود
دهه ۳۰	۱۳۳۱ چشمه‌پایش		۱۳۳۴ خانه شلویری	
			کوی نارمک نمونه‌ای از خانه‌های یک طبقه دهه ۳۰	
دهه ۴۰	۱۳۴۱ مسافره‌های شب		کوی صد دستگاہ نمونه‌ای از خانه‌های دو طبقه دهه ۴۰	
			کوی صد دستگاہ نمونه‌ای از خانه‌های دو طبقه دهه ۴۰	
				مأخذ: کیاکجوری، ۱۳۵۱.
				مأخذ: گزارش بانک رهنی، ۱۳۵۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی

ادامه جدول ۹.

مشخصات خانه‌های توصیفی و خانه‌های مسکونی موجود		دوره تاریخی
 <p>شهر آرا نمونه‌ای از خانه‌های دو طبقه دهه ۴۰</p> <p>مأخذ: کیاکجوری، ۱۳۵۱.</p> 	  <p>۱۳۴۹ دراز نای شب</p>  	
	  <p>۱۳۴۶ واهمه‌های بی‌نام و نشان</p>	
<p>کوی مهران نمونه‌ای از خانه‌های یک طبقه اوایل دهه ۵۰</p>	  	<p>۱۳۵۰ شهباز و جفدان</p> <p>دهه ۵۰</p>



- ادبیات، ۹(۲)، ۱۴۹-۱۸۱.
- آصفی، مازیار و ایمانی، الناز. (۱۳۹۳). ریشه‌یابی و شناخت عوامل دگرگون‌ساز روح معماری گذشته ایران در گذر زمان، اصالت گذشته، تازگی اکنون. هویت شهر، ۸(۱۹)، ۶۳-۷۶.
 - آقالطیفی، آزاده و حجت، عیسی. (۱۳۹۷). بررسی تأثیرپذیری مفهوم خانه از تحولات کالبدی آن در دوران معاصر در شهر تهران. هنرهای زیبا، ۲۳(۴)، ۴۱-۵۴.
 - البرزی، فریبا و پروینیان، شایسته. (۱۳۹۸). ظهور «معنا» در مکان، با تأکید بر معماری «پدیدارشناسانه»، مورد مطالعاتی: فضای شهری سبزه‌میدان قزوین. آرمان شهر، ۱۲(۲۸)، ۱-۱۹.
 - البرزی، فریبا؛ حبیب، فرح و اعتصام، ایرج. (۱۳۹۸). جستاری پیرامون نور و مصادیق آن در معماری ایرانی؛ رهیافتی به سوی معنا در معماری. معماری و شهرسازی ایران، ۱۰(۱۷)، ۹۵-۱۱۱.
 - امینی، امیرحسین و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۶). بررسی تحلیلی پیرامون بحران معماری و شهرسازی و پدیدارشناسی گونه‌های خانه. مدیریت شهری، ۴۶(۱۶)، ۳۲۱-۳۴۸.
 - انصاری، مانده. (۱۳۹۳). پدیدارشناسی هرمنوتیک مکان. آبادان: پرسش.
 - بهشتی، سیدمحمد و قیومی بیدهدی، مهرداد. (۱۳۸۸). فرهنگ‌نامه معماری ایران در مراجع فارسی، اصطلاحات و مفاهیم، ج. ۱. تهران: متن.
 - پاکزاد، جهانشاه. (۱۳۸۵). مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
 - پورجعفر، محمدرضا؛ صادقی، علی‌رضا و یوسفی، زاهد. (۱۳۸۷). بازشناسی اثر معنا در جاودانگی مکان. نمونه موردی: روستای هورامان تحت کردستان مسکن و محیط روستا، ۲۸(۱۲۵)، ۲-۱۷.
 - پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۲). جاودانگی در شهرسازی با نگاهی به شهر رم. ماهنامه شهرداری‌ها، ۵(۵۴)، ۵۱-۵۴.
 - پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۴). آشنایی با معماری اسلامی ایران (تدوین
 - غلامحسین معماریان). تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران.
 - حبیبی، سید محسن. (۱۳۹۳). قصه شهر: تهران، نماد شهر نوپرداز ایرانی (با تأکید بر دوره ۱۳۳۲-۱۲۹۹). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - دانشور، سیمین. (۱۳۸۰). به کی سلام کنم؟. تهران: خوارزمی.
 - ذکایی، محمدسعید و خالصی مقدم، نرگس. (۱۳۹۲). شهر و تجربه مدرنیته فارسی. تهران: تیسرا.
 - رایپورت، آموس. (۱۳۹۲). معنی محیط ساخته‌شده: رویکردی در ارتباط غیرکلامی (ترجمه فرح حبیب). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
 - ساعدی، غلامحسین. (۱۳۵۵). واهمه‌های بی‌نام و نشان. تهران: نیل.
 - سخاوت‌دوست، نوشین و البرزی، فریبا. (۱۳۹۹). نگرشی نشانه‌شناسانه به عناصر محور تاریخی خیابان سپه قزوین و خوانش هویت مکانی آن از منظر پدیدارشناسی. آرمان شهر، ۱۳(۳۰)، ۹۷-۱۱۵.
 - علوی، بزرگ. (۱۳۸۶). چشم‌پایش. تهران: نگاه.
 - عینی‌فر، علی‌رضا. (۱۳۷۹). عوامل انسانی-محیطی مؤثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی. هنرهای زیبا، ۸(۸)، ۱۰۹-۱۱۸.
 - فریور، گلرخ؛ فروتن، منوچهر؛ چرخچیان، مریم و صادقی‌شهپر، رضا. (۱۳۹۹). داستان‌های اقلیمی رهیافتی برای شناخت معماری خانه‌های منطقه بر پایه نظریه منطقه‌گرایی انتقادی (مطالعه موردی: شهر تهران). هنر اسلامی، ۱۷(۳۹)، ۲۸۸-۳۰۷.
 - فصیح، اسماعیل. (۱۳۹۵). شهپاز و جفدان. تهران: صفی‌علیشاه.
 - فلامکی، منصور. (۱۳۵۵). باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی. تهران: دانشگاه تهران.
 - فیشر، ارنست. (۱۳۵۴). ضرورت هنر در روند تکامل اجتماعی (ترجمه فیروز شیروانلو). تهران: توس.
 - کاستلز، مانوئل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ترجمه حسن چاوشیان). تهران: طرح نو.
 - کیاکجوری، خدیجه. (۱۳۵۱). مشخصات کوی‌ها و مسکن ۹ محله در شهر

of Wellington.

- Moore, J. (2000). Placing Home in Context. *Journal of Environmental Psychology*, 20(3), 207-217.
- Newton, C. & Putnam, T. (1998). *Household Choices*. London: Futures Publications.
- Norberg-Shulz, Ch. (1980). *Genius loci: Towards a Phenomenology of Architecture*. New York: Rizzoli.
- Pallasmaa, J. (2005). *The Eyes of the Skin, Architecture and the Senses*. London: Academy Edition.
- Proshansky, H. M., Fabian, A. K. & Kaminoff, R. D. (1983). Place-identity: Physical World Socialization of the Self. *Journal of Environmental Psychology*, (3), 57-83.
- Rapoport, A. (1982). *The Meaning of the Built Environment: a Nonverbal Communication Approach*. Arizona: University of Arizona Press.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Riger, S. & Lavrakas, P. J. (1981). Community Ties: Patterns of Attachment and Social Interaction in Urban Neighborhoods. *American Journal of Community Psychology*, 9(1), 55-66.
- Saunders, M., Lewis, P. & Thornhill, A. (2019). *Research Methods for Business Students*. New York: Pearson Education.
- Stedman, R. C. (2003). Is It Really Just a Social Construction?: The Contribution of the Physical Environment to Sense of Place. *Society and Natural Resources*, 16(8), 671-685.
- Tuan, Y. F. (2001). *Space and place: The perspective of Experience*. Minnea Polis: University of Minnesota press.

- تهران (جزوه منتشر نشده). وزارت آبادانی و مسکن، تهران: دفتر مطالعات و معیارهای ساختمانی.
- گزارش بانک رهنی. (۱۳۵۰). تلاش‌های عمرانی بانک رهنی ایران. هنر و معماری، ۳ (۱۰-۱۱)، ۱۰۹-۱۲۴.
- گلدمن، لوسین. (۱۳۷۱). جامعه‌شناسی ادبیات (دفاع از جامعه‌شناسی رمان) (ترجمه محمدجعفر پوینده). تهران: هوش و ابتکار.
- لینچ، کوین. (۱۳۷۶). تئوری شکل خوب شهر (ترجمه حسین بحرینی). تهران: دانشگاه تهران.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۷۹). طراحی فضای شهری نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی (ترجمه فرهاد مرتضایی). تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۴۹). درازنای شب. تهران: کتاب زمان.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۵۴). مسافره‌های شب. تهران: رز.
- میرصادقی، جمال. (۱۳۷۶). ادبیات داستانی. تهران: سخن.
- میرعابدینی، حسن. (۱۳۹۲). تاریخ ادبیات داستانی ایران. تهران: سخن.
- نوربرگ-شولتز، کریستیان. (۱۳۹۳). گزینه‌های از معماری: معنا و مکان (ترجمه ویدا نوروز برازجانی). تهران: پرهام نقش.
- Alexander, C. (1979). *The Timeless Way of Building*. New York: Oxford University Press.
- Canter, D. (1983). The purposive evaluation of places: A facet approach. *Environment & Behavior*, 15(6), 659-698.
- Hayward, G. (1975). Home as an Environmental and Psychological Concept. *Landscape*, 20(1), 2-9.
- Kimber, L. (2010). *Truth in Fiction: Storytelling and Architecture*. Unpublished master thesis. School of Architecture, Victoria University

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
حسینی، سارا؛ البرزی، فریبا. و امینی، امیرحسین. (۱۴۰۱). بازخوانی خانه‌های تهران از ادبیات داستانی معاصر در بازه زمانی ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷. باغ نظر، ۱۹ (۱۱۱)، ۹۱-۱۱۰.

DOI:10.22034/BAGH.2022.279499.4848
URL:http://www.bagh-sj.com/article_153540.html

